



ناراحتیهای مسلمانان در اطریش

چندی پیش در نشریه اطریش و کشورهای در حال توسعه، شماره ۷ ژوئیه ۱۹۶۶ از روزنامه **opreme** مقاله تحت عنوان: «ناراحتیهای مسلمانان در اطریش» نظرم را جلب کرد که اگر اجازه بدهید شمه‌ای از آن بسمح شما خواهد رسید:

وضع مسلمانان در اطریش که میخواهند فرائض دینی خود را بجا بیاورند، ناراحت کننده است، وضع این عده که تقریباً ۹۰ درصد اعضای این جمعیت مذهبی را تشکیل میدهند، مشکل شده است چنانکه مشهور است پنج بار نماز در روز با اضافه نشود؛ نماز جمعه بطور دسته جمعی و ایام مذهبی بزرگ چون عید قربان و عید فطر و امثال آن، از وظایف مذهبی است بطور کلی سیل دانشجویان و کارگران مسلمان در سالهای اخیر که بسوی اطریش سرازیر شده و هم اکنون در حدود ۱۵ هزار مسلمان در این جا گرد آورده، اشکال کمبود محل نماز راهم با خود آورده است.

از منتهای پیش با همکاری اجتماعات اسلامی و بعضی سازمانهای کشورهای عربی مذاکراتی در جریان است که محلهای مناسبی برای نماز و جشن فراهم کنند طبق نظریات متقدمان این امر باید در وین یک مسجد بزرگ حد اقل با گنجایش ۱۰۰۰ نفر؛ تأسیس گردد که از هر نظر آبرومند باشد و بتواند مرکز زندگی عقیده اسلامی در اطریش شود. . . .

زبان علم اسلامی

مسئله دیگر آنکه در دانشگاه وین، استثنوی مشرق - همه ساله زبانهای شرقی از قبیل: عربی، ترکی، فارسی، عبری و آشوری تدریس میشود و علاوه بر تدریس زبان، اسناد مربوط میباحث جدیدی از قبیل «تاریخ اسلام» و تاریخ ادبیات عرب و غیره در مطرح میسازد و این شرق شناسان هر کدام چندین کتاب و مقاله در باره مسائل مربوط به مشرق تألیف یا ترجمه کرده اند. چیزی که در کار تحقیقاتی آنها مؤثر است آشنائی آنها با زبانهای خارجی است، حتی دانشجویان باید زبانهای زنده دنیا را یاد بگیرند مثلاً با یک دانشجوی آلمانی که در رشته تئولوژی (علوم الهی) تحصیل میکند صحبت کردم او میگفت که ما باید زبان یونانی را حتماً بدانیم و همچنین دانشجویان تئولوژی، کاتولیک یا پروتستان تحصیل زبان دیگر را ابرار

کار خود میداند و از اینجاست که میسونهای مذهبی نقلیهای خود را با زیادهای اروپایی ایراد میکنند .

دیگری آنکه مدتها است غریبهها با افکار تصوف و عرفان که ریشههای آنرا در مشرق باید جستجو کرد ، حل بستند و اذینرو با دییات شرقی توجه خاصی نشان میدهند و بکتابهای تصوف راه یافتهاند و از این راه میخواهند مشرق و طرز فکر آنرا آنچنان که صلاح میدانند جلوه گر سازند و واقعاً برای ما قابل فهم نیست که چرا در کتابفروشیهای اروپا آثار دانشمندان و فلاسفه و شعرای صوفی مسلک ، بیش از آثار پیامبر اسلام یا علی بن ابیطالب یا نوابع عالم اسلام بچشم می خورد . . .

شأنفانه بعد از قرآن که چند زبان (۱) در دست است تا کنون ندیده ام که ترجمه البلاغه مولای متقیان علی (ع) یکی از زبانهای زنده دنیا ترجمه شده باشد و فکر میکنم که این کاریست که هرگز در حوزههای علمیه قم ، نجف و غیره است . . . البته ما بزرگی فیلسوفی چون امام محمدغزالی را منکر نیستیم ولی میخواهیم آیا بهتر نیست که دنیا با افکار فوق انسانی و ادمردبزرگی چون علی (ع) آشنا شود و در آفتاب نوس بیکران انسان دوستی این اعجاز حلت ، راه حل مشکلات و موانع زندگی خود را بجوید ؟

و ظاهر این وظیفه است که شخصیتها را چون امام جعفر صادق و شاکر دواجابرین حیای باعدای اسلامی و نوابع عالم تشیع چون شیخ صدوق ، علامه حلی ، شیخ مفید ، علامه مجلسی ، خواجه نصیرالدین طوسی و غیره را پس از شناخت کامل ، به آنیان بشناسیم و بقدربها است که مکتب اسلام در معرفی این شخصتهای علمی بزرگ ، پیشقدم شود . . .

با تقدیم احترامات ، اطروش - دین - ابراهیم مصلحی شاد

* * *

از شهر « اینسبروک » - اطریش - گزارش مفصلی درباره چگونگی برگزاری جشن تولد حضرت علی علیه السلام (۱۳ رجب) در اسم بزرگداشت میوه پیامبر اسلام (۲۷ رجب) به پوست دو مقاله از آقای سیدمهملدی صحرا ئیسان رسیده بود که موجب مسرت گردید و بموقع از مقالات وارده استفاده خواهد شد . .

جشن « یلاد علی (ع) در آهارتمان یکی از دانشجویان مسلمان بر گزار گردید و در این جشن پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید آقای حسین نصاری سخنرانی کردند و سپس مقاله ای تحت عنوان « درس عبرت » توسط آقای صحرا ئیسان قرائت شد و بعد آقای ناصر ملک لوشوری درباره امام علی خواندند و آنگاه آقای بهاء الدین صمدی بخش از نهج البلاغه را خواند و

(۱) : قرآن تا کنون به صد زبان ترجمه شده است .